بخش سوم :

اوجگیری جنبش و انقلاب و آزادی زندانیان سیاسی

پس از تشدید شرایط داخل زندان و مرزبندیهای ایدئولوژیک و سیاسی بین نیروهای انقلابی و اعتلای جنبش مردمی؛ موضعگیریهای روشن و مشخص در قبال حرکت های مردمی ـ که می بایست بینشی ایدئولوژیک می داشت ـ هر چه بیشتر ضرورت می یافت. شرایط جدید مبارزه موجب شد که زندانیان سیاسی با ارائه نقطه نظرها و وابستگی های ایدئولوژیک و سیاسی خود، طیف ها و خطوط خاص را بوجود آورند. مهاجرین خلق ایران نیز با توجه به قرابت های ایدئولوژیک و سیاسی خود با نیروهای مترقی مذهبی مستقل و مجاهد و با تکیه بر جوهرهٔ اندیشه انقلابی شریعتی و ارزش های توحیدی مبارزهٔ انقلابی، با اتخاذ موضعی مستقل و مترقی که در راستای جنبش انقلابی مردم بود به تحکیم و تثبیت هویت ایدئولوژیک و سیاسی خود اقدام نموده و با وحدت عمل با دیگر نیروهای مترقی داخل زندان علیه هر گونه کردار سیاسی ارتجاعی و تلقی انحصار گرایانه از مذهب و گرایشات سکتاریستی که موجب تضعیف اتحاد عمل در مقابل پلیس میشد، مبارزه می کرد.

همزمان با اوج گیری جنبش انقلابی مردم و مطالبات به حق آنها در آزاد کردن زندانیان سیاسی، رژیم مجبور به عقب نشینی هائی در زندانها شد و بدین ترتیب از سخت گیریهای سابق کاسته شد. حامد از این فرصت استفاده کرده و خود را به بندی که محمود رحیم خانی در آن بود منتقل کرد تا در کنار همدیگر بصورتی فعال تر در اعتراضات فزایندهٔ زندانیان شرکت کنند و خطوط آتی مبارزاتی خود را بهتر ترسیم نمایند.

در سال ۵۷ سرعت جنبش و انقلاب مردم اوج تازه ای به خود گرفت. تلاش و مبارزات مردم و نیروهای مبارز با استراتژیها و شیوه های مبارزاتی مختلف توانست باعث ارتقاء جنبش در تمام جامعه شود و رژیم را در اکثر زمینه ها وادار به عقب نشینی کند. در آستانهٔ این تحولات بزرگ مهاجرین خلق نیز با همراهی با تمامی مردم با پخش اعلامیه ها، جزوه ها و کتاب و همچنین انجام عملیات ارعابی علیه نیروهای سرکوبگر و نظامی رژیم و شکستن بن بست ها و تشدید حرکت های اعتراضی، مسئولیت خود را بدینوسیله در تعمیق انقلاب ایفا می کردند.

اولین عقب نشینی رژیم در مقابل حرکت گستردهٔ مردم به آزادی کلیهٔ زندانیان سیاسی انجامید که دو تن از بنیانگذاران مهاجرین خلق بنامهای محمود رحیم خانی و حامد از جمله آزاد شدگان بودند. بنیانگذاران آزاد شدهٔ مهاجر خلق و دیگر همرزمان مهاجر آنها در آستانهٔ پیروزی انقلاب اقدام به مشارکت فعال در سازماندهی تظاهرات سرنوشت ساز و تسخیر پایگاه های نظامی رژیم در مناطق استقرار خود نمودند و جنبش و انقلاب مردم را تا تولد آن همراهی کردند و سرنگونی رژیم پهلوی را در کنار مردم جشن گرفتند.

اوج گیری جنبش و انقلاب

تظاهرات و درگیری بین مردم و نیروهای نظامی در دوران حکومت شریف امامی. در عکس فوق تظاهرکنندگان تصاویر جمعی از شهدا را با خود حمل می کنند.

بخش چهارم:

بازسازی تشکیلات

بعد از آزادی از زندان، بنیانگذاران سازمان بار دیگر به پیمان خود با مردم که همانا تلاش و مبارزه در جهت اهداف و آرمانهای مردمی بود، وفا نموده و مجدداً شروع به فعالیت کردند. در این راستا ابتدا به سراغ یارانِ دوران اختناق و همرزمان خود رفتند و تجدید میثاق نمودند. ولی پس از اندک مدتی در حالیکه پایه های تشکیلات جدید فرا می رفت واقعه ای جانکاه رخ داد و دستان پلید عوامل ناشناخته ای، محمود رحیم خانی را که یکی از بنیانگذاران مهاجرین خلق بود در یک حادثهٔ مشکوک رانندگی بیست روز پس از پیروزی انقلاب به شهادت رساند. محمود گنجینه ای از تجربه های انقلابی توده های ستمدیده و ستاره ای فروزان در آسمان مبارزه و مقاومت میهنمان بود. او صلابت و نستوهی، ایمان و عمل، آگاهی و هوشیاری خود را در شکنجه گاههای شاه به اثبات رسانده بود. مردم شیفتهٔ ارزشهای والای انسانی او بودند و در وجودش آمال و آرزوهای دیرین خود را می دیدند. آمالی که غاصبان تاریخ فرصت تحققشان را نداده بودند.

دریغا که فرزند مردم در میان آنان دیری نپائید و درست سه هفته پس از آزادی، شمع وجودش به خاموشی گرائید. خبر جانگداز کشته شدنش دو چندان غم و اندوه آفرید، همچنان که مژدهٔ آزادیش مردم زادگاه او را به وجد آورده بود.

فقدان محمود اندکی پس از پیروزی انقلاب ضربه ای بود توانفرسا هم برای توده های زحمتکش میهنمان و هم برای مهاجرین خلق که گنجینهٔ گران بهایشان را از دست داده بودند. اکنون فقط یک نفر از بنیانگذاران باقی مانده بود.

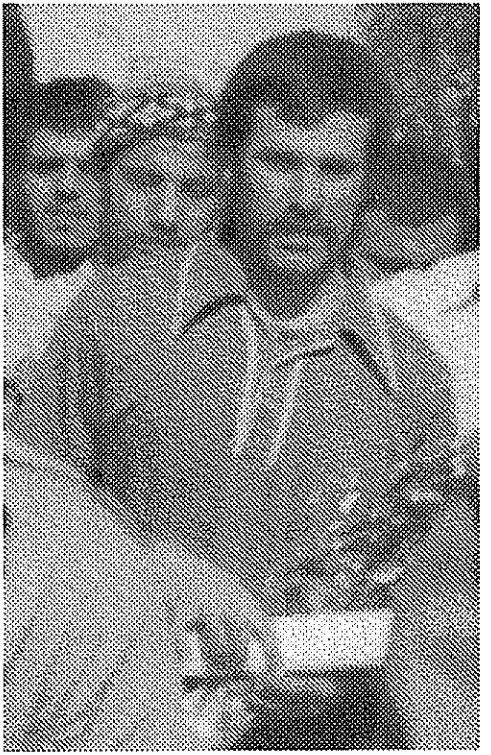

مهاجر شهید محمود رحیم‌خانی

از بنیان‌گذاران سازمان مهاجرین خلق ایران. هنگام رهایی از زندان او جزء آخرین افراد رها شده از اسارتگاه شاه بود.

او به کمک دیگر اعضاء مقدمات برگزاری مجلس یادبود شهادت محمود و دیگر بنیانگذاران شهید محمود جلیل زاده شبستری، حسن هرمزی و غلامرضا سرداری، که در دوران سیاه رژیم وابستهٔ پهلوی به جوخه های اعدام سپرده شده بودند، فراهم نمود. این مراسم در چند شهر جنوب ایران و در تهران برپا شد. دو مراسم جداگانه نیز از طرف دانشجویان علم و صنعت و کانون زندانیان سیاسی در تهران برگزار گردید و در مورد ویژگیهای انسانی این فرزندان دلیر خلق سخن بمیان آمد. در این گردهمائی ها گروههای مختلف مردم با خواندن پیامهایی، ارزش های والای مهاجرین شهید را ستودند و یادِ آموزگار هجرت دکتر علی شریعتی را گرامی داشتند، چرا که آنها اولین غنچه های شکفتهٔ ایمان و اندیشهٔ شریعتی بودند.

تقاضاهای مکرر مردم، ضرورت چاپ و انتشار هر چه زودتر زندگینامه های شهدا و تاریخچهٔ "مهاجرین خلق" را مطرح ساخت. برای پاسخگویی بدین نیاز ابتدا تاریخچهٔ مهاجرین خلق و سپس زندگینامهٔ مهاجر شهید حسن هرمزی و مهاجر شهید محمود رحیم خانی چاپ و در سطح گسترده ای توزیع شد.

استراتژی مبارزهٔ انقلابی آگاهی آور

با توجه به سر فصل انقلاب ۵۷ و نقطهٔ عطفی که در مبارزات مردم ایران حاصل شده بود، ضرورت ایجاب می کرد که یک جمع بندی از تجارب گذشتهٔ مبارزاتی در زمینهٔ ایدئولوژی، دانش سیاسی، کار تشکیلاتی و سازماندهی صورت گیرد و با توجه به شرایط و وضعیت جدید مسیر حرکت آینده تبیین و مشخص و یک استراتژی متناسب با

اوضاع و احوال جدید اتخاذ شود.

اگر به طور کلی و از نظر تاریخی به روند تکاملی انسان توجه کنیم، همواره دو جریان متضاد در مسیر زندگی انسان وجود داشته و خواهد داشت. جریان اول نیروهای انحصار طلب و زورمدار و سلطه طلب، که همواره و در اشکال گوناگون در تلاش اند تا اکثریت مردم را در چمبرهٔ سیطرهٔ خود نگه داشته و از طرق مختلف جابرانه مردم را به بند کشیده و استثمار نمایند.

جریان دوم، تودهٔ مردم و نیروهایی است که در تضاد با جریان زورمدار و انحصار طلب قرار دارند و در مقابل آنها مقاومت و عمل می کنند. چکادی که رسالتش مبارزه با نیروهای ضد تکاملی و موانع و مشکلاتی است که سپاهیان جهل در مسیر رشد و تعالی انسان بوجود می آورند.

با توجه به این تصور کلی، که برخاسته از ناموس تاریخ و روند تکاملی انسان است. مهاجرین خلق نیز استراتژی کلی و دراز مدت خود را پایبندی و وفاداری به ارزشهای ثابت انسانی یعنی کرامت انسانی، آزادی و عدالت و مقابلهٔ مستمر با نظامهای جور حاکم که در ستیز با آن اصول و ارزشهای ثابت انسانی هستند قرار داده است. مهاجرین با داشتنِ چنین برداشتی از امر مبارزه و مقولهٔ مسئولیت پذیری، همواره در کنار مردم قرار گرفته و خواهان برچیده شدن تمامی موانع و ناهنجاریهایی است که موجب عدم رشد و شکوفائی انسانی می شود.

اتخاذ چنین مشی و منشی ایجاب می کند که هر نیرویی با هر مرام و مسلک و با هر شکل و نمودی که خواهان تضعیف، تذلیل و

به بند کشیدن انسان باشد در تضادی بنیادین با پویندگان مسیر "هجرت" قرار گیرد. پس استراتژی اصلی، مبارزه و حرکت است که از دو اصل اعتقادیِ هجرت و جهاد ریشه می گیرد. از این منظر، جهاد و تلاش باید راهگشا، کمال آفرین و رهائی بخش باشد و زمینهٔ رشد نیروهای بالان را فراهم کند. الزام فوق، جهاد توحیدی را که در مسیر پویش و رانش انسان بسوی ارزشهای متعالی صورت می گیرد، از تلاش های دیگر متمایز می نماید.

این چالش در شرایط و موقعیت های مختلف با توجه به توانمندیها و امکانات، دارای شاخصه های حرکتی متفاوت خواهد بود. بعبارتی دیگر فاکتور زمان در اتخاذ شیوهٔ مبارزه نقش اساسی را بازی می کند. چنین استراتژیِ انعطاف پذیر و واقع گرایانه بر خلاف استراتژیهای یک سویه و منجمد، می تواند راهگشا و به پیشبرد مبارزه کمک نماید و حتی در شرایط نتوانستن می توان بر اساس آن راه مبارزه و رفتن را باز یافت و در باتلاق ایستائی هلاک نگردید.

پر واضح است که چنین شیوهٔ مبارزاتی تنها و زمانی پر بار و مؤثر و موجب آگاهی و شناخت خواهد شد که در مسیر آرمانهای مردم قرار داشته باشد و نیازها و رنجهایشان را تصویر کند. و آگاهیی که در چنین پروسهٔ مبارزاتی حاصل می شود آگاهیی است که با تجربهٔ عینی و مستقیم مردم در پویه مبارزه گره خورده است.

در چنین گذرگاه بالنده ای که آگاهی و خودآگاهی انقلابی باز تولید می گردد؛ فراهم کردن زمینهٔ حرکت اجتماعی و مشارکت مستقیم و فعال مردم از وظایف استراتژی مبارزاتی است.

آگاهی انقلابی که بستر چنین دگرگونی اجتماعی است حامل سه عنصر اساسیِ ایدئولوژی، مسئولیت پذیری و حرکت آفرینی می باشد که بیان کنندهٔ تعهد اعتقادی و مسئولیت اجتماعی و عملی انسان مبارز در مقابل مردم و سرنوشت آنها می باشد.